در سوگ سعید میرهادی



متن تسلیت دوستان و آشنایان سعید میرهادی
به مناسبت درگذشت او

"جایی که میمیرم، آنجا غربتگاه من است"

درگذشت دوست عزیزمان سعید میرهادی نویسنده و شاعر برجسته ای که با خلق آثار لطیف و پرمغز به آلمانی مرزهای ملی شعر و ادب را درنوردید، ما را در غم و اندوه بیکران فروبرد. سعید در 27 ماه مه 1947 در تهران به دنیا آمد و در سال 1965 برای تحصیل به آلمان آمد. از همان آغاز به فعالیت سیاسی در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی پرداخت، به جرگه فعالان سیاسی آزادیخواه و دموکرات پیوست و بعدها به عنوان یکی از اعضای هیئت دبیران این سازمان

انتخاب گردید.

سعید میرهادی پیش از انقلاب 57 بشدت به خمینی و یارانش انتقاد داشت. پس از انقلاب برای مدت کوتاهی به ایران بازگشت اما مشاهداتش در آنجا او را از آینده میهن نومید و نگران کرد. سعید پس از بازگشت به آلمان به نوشتن اشعار و نثرهای کوتاه ولی مملو از احساس در مورد ایران پرداخت. او در کنار کتابهای شعر و کتاب کودکان به نوشتن آثار منقدانه پرداخت. او با نوشتن آثاری مانند "دست دراز ملایان"، "زندگی در آلمان" و "من واسلام" در میان قلم بدستان و روشنفکران آلمانی شناخته شد بطوری که او را به عنوان اولین غیرآلمانی از سال 2000 تا 2002 به ریاست انجمن قلم آلمان (PEN) انتخاب کردند.

نوشته های او حاکی از دوپارگی درونی یک تبعیدی است. گرچه او قلبش همیشه برای ایران می تپید اما آلمانی را به عنوان خانه زبانی اش برگزیده بود. جمله او "زبانی که من با آن تنفس میکنم، آلمانی است" رابطه اش را با این زبان نشان میدهد. او همواره به مبارزات اجتماعی خود ادامه داد: مبارزه او برای نویسندگان آزاده تحت تعقیب کشورشان او را در سال 1997 به دریافت مدال هرمان- کستن مفتخر کرد. او برای تلاش ادبی اش نیز جوائز متعددی دریافت کرد. در سال 1986 جائزه حمایت ملی ادبیات شهر مونیخ را دریافت کرد، سال 1992 جائزه سیویس هورفرنک، سال 1996 جائزه "ادبیات در تبعید" شهر هایدلبرگ، 1997 بورس ویلا آورا از لس آنجلس، سال 2002 جائزه آدلبرت – کامیسو، سال 2006 مدال گوته، سال 2010 جائزه ادبی انجمن آزاد نویسندگان آلمان، 2014 نشان شایستگی جمهوری فدرال آلمان (Verdienstkreuz am Bande) یکی از بالاترین نشان های این کشور و سال 2016 جایزه "روکرت" از شورای شهر شواینفورت. وی تا روزهای آخر زندگی نیز فعال بود و با ناشر کتابهایش برنامه های مفصلی ریخته بود.

سعید انسانی آزاده و متفکر بود. فعالیت او برای تحقق حقوق انسانی چه در دوران فعالیت دانشجویی و چه پس از آن بسیار جدی و صمیمانه بود. نوشته هایش مملو از نقد نظام تمامیت خواه جمهوری اسلامی و محکوم دانستن اسلام ایدئولوژیک و دیکتاتوری است. آثار او بر نسل های آینده اثرگذار خواهد بود. او برای همیشه در قلب ما جای خواهد داشت. ما درگذشت او را به خانواده میرهادی و دوستان و آشنایانش تسلیت میگوئیم.

امضاها:

عباس آقایی، داریوش احمدی، ادیت ارشاد، اردوان ارشاد، بهروز اسدی، حسین اسدی، بیژن افتخاری، فرامرز افشار، کورش افطسی، مهران براتی، علی بکایی، شهلا بهاردوست، بهروز بیات، داوید پارسیان، تاج الدین پورمحسن، احمد پورمندی، محمد حسین جعفری، هوشنگ خوش سرور، احمد رافت، فاطمه دادوند، پرویز دستمالچی، حمید ذکایی، مرتضی رحیمی، خلیل رستم‌خانی، مسعود رمضانی راد، احمد رناسی، مهدی زارع، هادی زمانی، منصور سحرخیز، حسن سعیدی، عباس سلیمی، منصوره شجاعی، حمید شوکت، علی شیرازی، داریوش شیروانی، منوچهر صالحی لاهیجانی، کامران صداقتی، حمید صدر، سعید صدر، فواد صدقی، جعفر صدیق، احمد صدیقی، خسرو صمیمی، دخی صمیمی، هرمز صمیمی، غلام عسگری، مهرداد عمادی، داود غلام آزاد، فرهاد فراست، فرهاد فرجاد، کامبیز قائم مقام، محسن قائم مقام، سیاوش قاینی، سعید کاظمی، فرزانه کاظمی، عزیز کرملو، ناصر کنعانی، بهمن مبشری، علیرضا محسنی، تورج مرادی، مهدی مرتضوی، محسن مسرت، خسرو مسیح، حسین منتظر حقیقی، رضا مهاجر، فریبرز مهران ادیب، فرید مهران ادیب، محمود مهران ادیب، همایون مهمنش، سعید میراب زاده، حسین میرجوادی، سیروس میرزایی، انور میرستاری، علی ندیمی، حسن نقیبی، هومن نقی زاده، طلعت نواب، شیدان وثیق، یاسی ناظمی و خانواده، رحیم همتی، امانوئل یوسفی